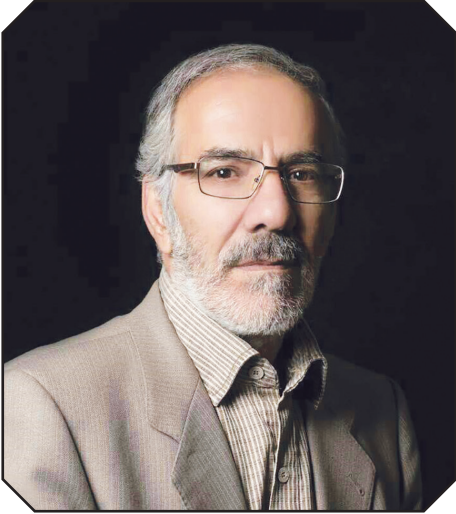


محمد رحبی

پایکار فرهنگی

یادی از شادروان یداله آمالی



دقایق به کندی می‌گذشت تا زنگ خورد دغدغه من پایان یافت. به دفتر آموزشگاه رفتم و بسته را گرفتم و با سرعت به سمت خانه دویدم. به خانه که رسیدم، دو برادر و یک خواهر که آنها هم دانش‌آموز بودند، بسته‌ای شبیه من به خانه آورده بودند و مادرم خوشحال از این رویداد و دعا برای آقای آمالی.

محتوی بسته‌ها: لباس (بلوز و شلوار)، یک جفت کفش، چند دفتر و مداد و خودکار، پاک‌کن، قلم‌تراش و میلگ دوپست ریال پول نقد بود (اسکناس ۲۰۰ ریالی).

و همین کمک‌ها باعث شد تا ما بتوانیم به تحصیلات ادامه دهیم و خود و سه برادرم آموزگار شویم و یکی از خواهرانم به استخدام دولت درآمد.

متوسطه ثبت‌نام کردم. اوایل آبان همان سال سر کلاس بودم که ناظم مدرسه آمد و مرا صدا زد و گفت: آقای نیک‌سروشت بیا دفتر آموزشگاه. از دبیر ریاضی اجازه گرفته و به دفتر آموزشگاه رفتم. مرد متوسط قامت و خوش‌روی پالیاس نظامی کنار مدیر و ناظم دیدم.

ناظم به او گفت: ایشان همان دانش‌آموز، مرد نظامی که خود را مأمور ژاندارمری معرفی کرده، لیستی جلوی من گذاشت و گفت: جلوی اسمت را امضا کن. من هم امضا کردم. بعد با ملاطفت و مهربانی به من گفت: آقای نیک‌سروش، شما از این پس تحت پوشش بنیاد نیکوکاری هستی و بسته‌ای به من تحویل داد و گفت: همراه چنین بسته‌ای به شما داده می‌شود.

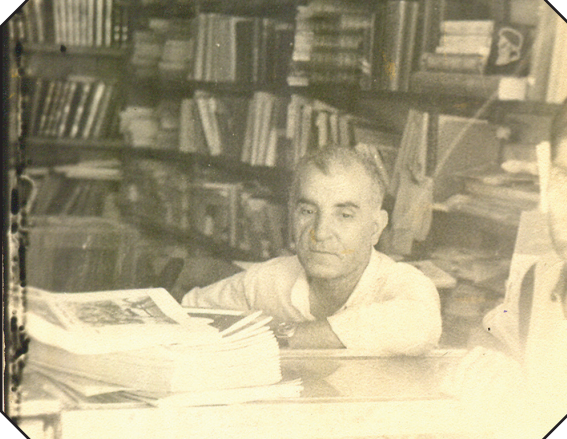
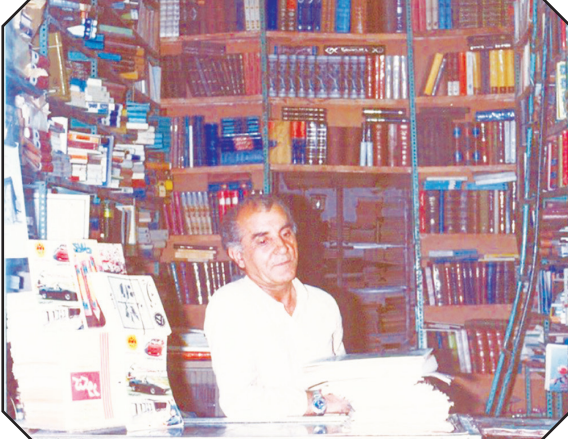
آن را گرفتم و تشکر کردم. ناظم گفت: بسته را همین‌جا بگذار، ساعت آخر بیا بیرون. نیمه زنگ آخر بود به کلاس رفتم و بی‌تاب تا پایان زنگ در فکر بسته اهدایی بودم.

آن که ۴ برادر و ۳ خواهر بودیم با مادرم، بی‌سرپرست گذاشت. یک هفته بعد از فوت پدرم، خدمت آقای آمالی رسیدم و ماجرا را نقل کردم تا اگر ممکن است برایم شغلی پیدا کند که بتوانم هزینه خانواده را تأمین کنم. کلاس هفتم متوسطه را گذرانده بودم و قصد ترک تحصیل داشتم. چون فرزند ارشد خانواده بودم.

آقای آمالی پرسید: درست خوبه؟ گفتم: بله آقای آمالی که به شدت متأثر شده بود گفت: شرح ماجرا و سن و سال برادران و خواهرانم را دقیق بگو تا نامه‌ای به بنیاد نیکوکاری بنویسم بینم چی میشه.

همین کار را کردم و شرایط سخت زندگی‌مان را نقل کردم. ایشان نامه‌ای نوشت و از من خواست تا گواهی فوت پدر و یک استشهاد محلی تهیه کنم تا به پیوست نامه ارسال نماید. خلاصه هرچه فرموده بود تهیه نمودم و او با نامه ارسال کرد و از من خواست تا ثبت‌نام کنم و تحصیل را رها نکنم. من هم پذیرفتم و در کلاس هشتم

۲۷ فروردین ماه ۱۳۹۸ خورشیدی به مغازه زنده‌یاد آمالی واقع در خیابان شهدای جنوبی کازرون رفتم. پسرش پذیرام شد و مرا به داخل مغازه دعوت کرد. روی صندلی کنار میز کارش نشستم و یاد از پدر بزرگوارش کردم. هاشم آقا برایم تعریف کرد روز هشتم فروردین همین سال، شخصی میانسال به مغازه‌ام آمد، بعد از سلام و احوال‌پرسی جوایای حال پدر شد! گفتم فوت کرده، آهی کشید و به روحش درود فرستاد و اندوهگین گفت: «هر وقت به کازرون می‌آیم، خدمتشان می‌رم. چون حق بزرگی به گردن خانواده ما دارد. ولی حدود ۵ ساله کازرون نیامده‌ام» و ماجرایم را برایم گفت. با اصرار از او خواست برایم نقل کند. با اکرار گفت: مرد میانسال خود را آقای نیک‌سروش معرفی کرد و از من پرسید چه نسبتی با زنده‌یاد دارید؟ گفتم پسرش هستم. با من همدردی کرد و گفت: شهریور ۱۳۵۱ خورشیدی، پدرم که کارگر ساختمان بود به علت سکت درگذشت و ما



خطرات آسانسور و راهکارهای پیشگیری از آن

گردآورنده: محمد با زیار

رابط پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کازرون

بازهم چندین مرتبه دکمه زنگ را فشار دهید. دکمه باز شدن در را بفشارید. گاه با فشار دادن مجدد دکمه باز شدن در، در آسانسور باز می‌شود. ممکن است به نظر تان خنده‌دار بیاید، اما بسیاری از افرادی که فکر می‌کنند در آسانسور گیر کرده و خواستار کمک هستند، هنگامی‌که دوباره دکمه باز شدن در را فشار می‌دهند، در باز می‌شود. همچنین می‌توانید دکمه بسته شدن و دکمه یک طبقه پایین‌تر از جایی را که هستید، فشار بدهید. اگر نمی‌توانید از هیچ‌یک از روش‌های عنوان شده کمک بگیرید، سعی کنید توجه دیگران را جلب کنید. برای مثال با کنش خود یا اشیای دیگر به در آسانسور بزنید تا صدا ایجاد شود. فریاد نیز ممکن است، توجه دیگران را جلب کند، اما باید دانست که فریاد زدن زیادی باعث وحشت بیشتر فرد و اطرافیان می‌شود. ممکن است هنگامی‌که می‌خواهید خود را در چاله آسانسور بالا بکشید، دچار برق‌گرفتگی به‌واسطه سیم‌های برق روی دیوارها شوید. باید دانست فرد فقط در صورتی‌که در وضعیت بحرانی و خطر فوری قرار دارد، می‌تواند چنین ریسکی را انجام دهد. افراد باید بدانند که در این وضعیت بحرانی نباید سیگار کشیده و از کبریت استفاده کنند، چون ممکن است باعث روشن شدن هشدار آتش‌سوزی و متوقف شدن آسانسور شود.

از ساختمان‌های دولتی در وضعیت خطرناکی به سر می‌برند و امکان بروز هرگونه اتفاقی در آنها وجود دارد.

در زمان گیر کردن در آسانسور چه کنیم؟

گیر کردن در آسانسور موضوع ناخوشایندی است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از افراد می‌شود و شاید خود ما هم روزی آن را تجربه می‌کنیم، اما بهتر است قبل از رویارویی با این مشکل نکاتی را در این باره بدانید. همین‌که متوجه شدید آسانسور گیر کرده است، احتمالاً وحشت می‌کنید. هرچند باید آرامش خود را حفظ کنید تا بتوانید درست فکر کنید. نفس عمیق بکشید و بدن خود را شل کنید. اگر در آسانسور تنها نیستید، وحشت شما دیگران را به وحشت می‌اندازد و هنگامی‌که چند فرد وحشت‌زده در شرایط نامناسب قرار می‌گیرند، ممکن است کارهای اشتباه و خطرناک انجام دهند. در صورتی‌که برق آسانسور خاموش شد و فضای داخل اتاق تاریک بود، سعی کنید منبع نوری پیدا کنید. برای مثال می‌توانید از نور گوشی تلفن همراه خود استفاده کنید. گوشی خود را برای مدت طولانی روشن نگه ندارید، چون باتری آن تمام می‌شود، درحالی‌که شاید به آن نیاز داشته باشید. دکمه تلفن یا زنگ را فشار دهید.

اگر پاسخی نگرفتید، با گوشی خود تلفن کنید. اگر آنتن دارید، به آتش‌نشانی اطلاع دهید.

ادامه دارد...

دست‌درازی به درختان تا کی؟!

منوچهر حبیبی



با نوعی پیچک تزئین می‌کنند که خود، موجب زیبایی بیشتر شهر می‌شود؟ چرا عده‌ای دست از این کار برنمی‌دارند و به‌جای بریدن درختان، برای جلوگیری از بروز هر حادثه‌ای، به‌ایمن‌سازی قابل‌قبول که هم جلوی بروز خسارت را بگیرد و هم فضای سبز و درختان، سالم و پایدار بمانند، روی نمی‌آورند؟ قطعاً دست روی دست گذاشتن و تیر برق کاشتن، بلایی بر سر این شهر می‌آورد که سبزی و طراوت راه شهروندان تنها روی نقاشی‌های دیوارها ببینند، آن هم اگر بودجه‌ای برای نقاشی کردن روی دیوارها اختصاص یابد.

کازرون است. البته هرسال در نیمه اسفندماه برنامه درختکاری با هزینه فراوان و دردرهای زیادی انجام می‌شود؛ اما در کل، آنچه رخ می‌دهد، کاهش تعداد درختان در سطح شهر و با بی‌توجهی و نگاهداری از یک درخت و به‌اصطلاح میزان جرمیسه قطع بی‌اجازه هر درخت، از بهای یک تیر برق یا چند متر کابل انتقال برق بیشتر نباشد، کمتر هم نیست.

پای برق به میان آمد، باید به اطلاع برسانم که هرسال سهم بزرگی از دست‌درازی به شاخ و برگ و حتی درختان، از سوی این اداره صورت می‌گیرد. به طوری‌که خودروی بالابر این نهاد، مرتب در حال قطع درختان است. واقعاً چه باید کرد و به چه کسی باید گلایه کرد؟ آیا این فقط شهر کازرون است که درختان چند متری دارد که حداکثر میزان رشدشان نباید به کابل و سیم‌های انتقال برق برسد؟ چرا در نقاط دیگر و در شهرهای بزرگ، درختان کهنسال و سر به فلک کشیده و حتی بیش از یک‌صد ساله دارند؟ چرا درختان خشک‌شده‌شان را تزئین می‌کنند و عده‌ای از این ارگان و یا آن نهاد و مغازه‌داران، حق دست‌درازی به فضای سبزی که به شهر و محیط زندگی شهروندان، طراوت و شادابی می‌دهد، ندارند؟ چرا برخی از آقایان و مسئولین که در طول سال چندین بار به شیراز سفر می‌کنند، نمی‌بینند و یا نمی‌خواهند ببینند که درخت خشک‌شده نخل ده‌پانزده متری را به‌جای بریدن،

به دنبال باد و باران فروردین‌ماه امسال، چند درخت هم در کازرون سقوط کرد و این شد بهانه‌ای که به جان همه درختان بلند و کهنسال شهر بیفتند. با این مجوز که از وقوع هر حادثه‌ای که منجر به آسیب زدن به خودروها و منازل و افراد شود، جلوگیری نمایند. اما به راستی چنین است؟ تجربه نشان داده که قطع کردن درختان و به‌نوعی دست‌درازی به فضای سبز شهر کازرون، هر بار به بهانه‌ای صورت گرفته و می‌گیرد. حتی درختانی را از بین برده و خشکانده‌اند که نه تنها خطری برای فرد و یا مکانی نداشته، بلکه در حومه شهر قرار داشته‌اند.

خلاصه حکایت عجیبی است که گویا با عوض شدن شهردار و یا شروع به کار دوره‌ای جدید از شورا، این معضل حل‌شدنی نیست. البته خود شهرداری که طی سال‌های اخیر به بهانه‌های مختلف، تعداد زیادی از درختان را جایجا با قطع نموده، اولین و اصلی‌ترین عامل دست‌درازی به فضای سبز شهروندان است. به همین دلیل هم بعد از این نهاد که باید حامی و نگهدارنده درختان و پیگیر هرگونه خلاف در حوزه فضای سبز و نظیر این‌ها باشد، راه را برای دیگر ارگان‌ها باز می‌کند که به جان درختان بیفتند و هر طور که صلاح و نفعشان است به درختان و فضای سبز حمله ور شوند. به راستی تا کی و کجا، این روند ناخوشایند و نامیوم ادامه خواهد یافت؟ دیدن درختانی که از درخت بودنشان تنها ته آنها باقی‌مانده، درج‌های مختلف شهر، نماد تعدی به حقوق شهروندان و در راستای از شکل انداختن شهر

دانستنی‌های اتومبیل

مؤدنی، کارشناس مکانیک و برق خودرو



قسمت سوم

حال چرا؟

چون زمانی که سوکت سنسور دمای آب را جدا کنیم مقاومت بین پایه‌های یک و دو سوکت بین‌هایت شده و چون هرچه مقاومت بالاتری به ECU گزارش شود نشانه سردتر بودن موتور است. ECU فرض را بر سردترین دمای موتور سوخت را می‌دهد. دستوری بیشترین پاشش سوخت را می‌دهد. در نتیجه در هوای سرد موتور راحت روشن می‌شود.

دسته‌بندی سیستم‌های انژکتوری به‌طور کلی سیستم‌های انژکتوری به سه دسته تقسیم می‌گردند:

- سیستم انژکتوری پاشش تک نقطه‌ای (SPEI) مانند دوو ریسر
- سیستم انژکتوری پاشش چندنقطه‌ای (MPFI) که در تقریباً در تمام خودروهای استفاده شده است
- سیستم انژکتوری پاشش مستقیم بنزینی (GDI)

مدلهای انژکتوری مختلف:

A: دسته غیر ترتیبی؛

B: دسته نیمه ترتیبی؛

ادامه دارد...

نسبت به چرخ‌های داخلی پیچ دارند. حال فرض کنید راننده‌ای در مسیر پیچ اقدام به ترمز گیری کند، در این حالت سیستم ترمز، فشار هیدرولیک مساوی را در هر محور به چرخ‌های طرفین وارد می‌کند، اما در حقیقت چون چرخ‌های بیرونی پیچ، فشار بیشتری را متحمل می‌شوند بنابراین باید فشار هیدرولیک بیشتری را نیز دریافت نمایند.

در این شرایط سیستم ترمز CBC قادر خواهد بود نیروی ترمز متناسب با فشار وارده بر چرخ‌ها را بین چرخ‌های طرفین توزیع نماید تا خودرو در حالت پایدارتری قرار گیرد. البته گفتنی است کاربرد این سیستم در خودروهای شاسی‌بلند که مرکز ثقل بلند و وزن زیادی دارند بیشتر حائز اهمیت است.

روش ریست کردن چراغ هشدار سرویس مکان: ۱. سوئیچ را بازنموده اما استارت نزنید.

سیستم CBC اختصار از کلمه‌های Corner Braking Control است که به معنی کنترل ترمز گیری در پیچ ترجمه شده است. وظیفه اصلی سیستم CBC، توزیع متناسب نیروی ترمز در حین ترمز کردن در سر پیچ‌ها است. در واقع تعادل وزنی خودروها در زمان پیچیدن برهم می‌خورد و چرخ‌های بیرونی فشار بیشتری را متحمل می‌شوند و بر همین اساس چرخ‌های داخلی پیچ وزن و فشار کمتری را تحمل می‌کنند. از این رو وجود این سیستم می‌تواند کمک شایانی به حفظ تعادل خودرو در مسیرهای پرپیچ‌وخم کند.

از آنجایی‌که می‌دانید هر چه شعاع یک دایره بیشتر باشد، محیط آن نیز بیشتر است؛ بنابراین اگر خودرویی محیط یک دایره را طی کند، چرخ‌هایی که خارج دایره هستند چون در شعاع بیشتری از مرکز دایره قرار دارند، مسیر بیشتری را باید پیمایند. از این رو چرخ‌های بیرونی گردش بیشتری